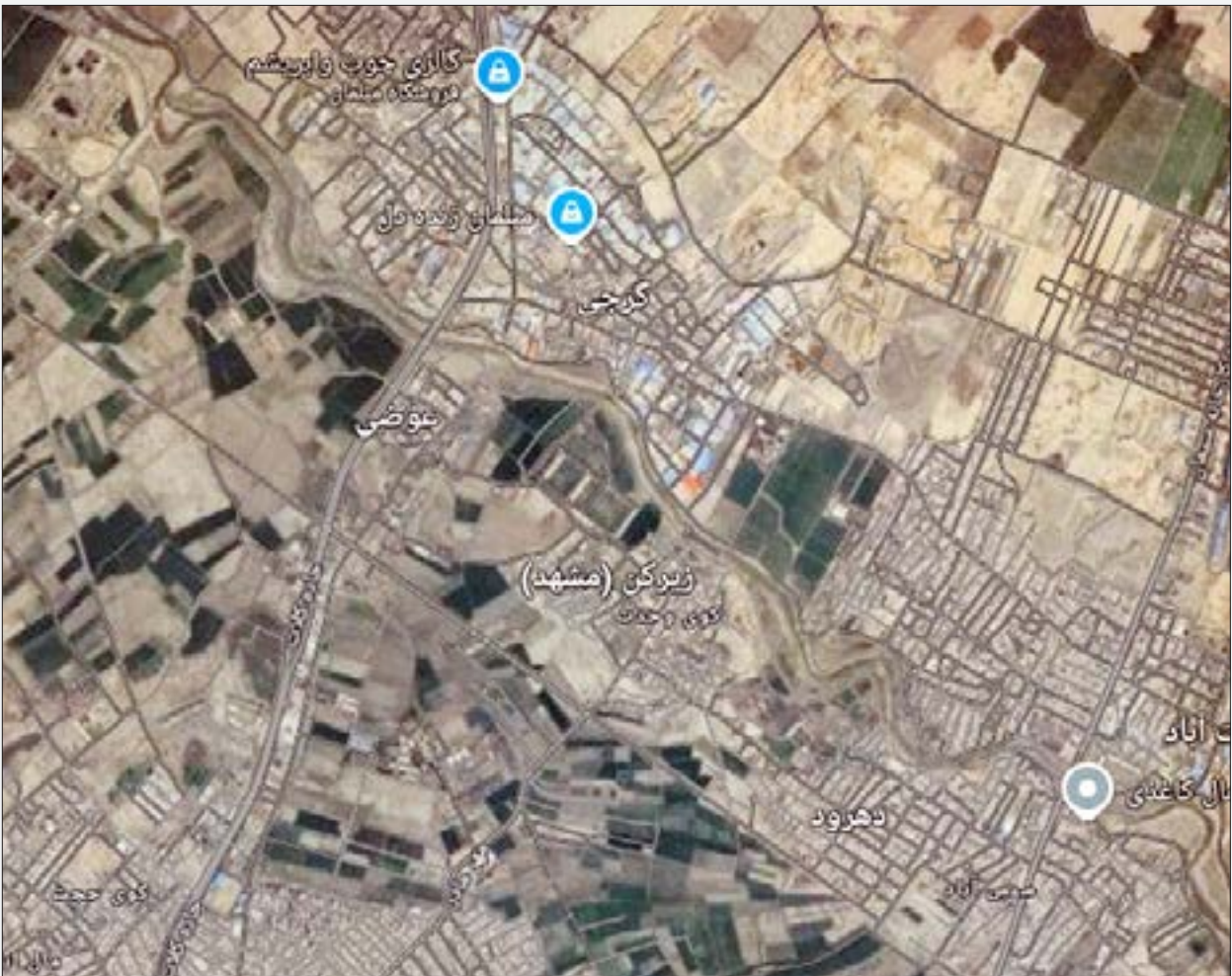


سرگذشت یکی از قدیمی‌ترین مزارع شمال مشهد که امروزه بخشی از محدوده شهری است

# خاطرات خفته در «چاهش»



مرضیه ترابی ا مزارع و روستاهای اطراف مزار خواجهربیع در شمال شهر مشهد، به دلیل هم جواری با کشف رود، اراضی حاصلخیزی دارد و از دیرباز جمعیت زیادی در این منطقه ساکن بوده‌اند. تا آنجا که برخی معتقدند محل اصلی شهر باستانی نوغان، در مکان فعلی بقعه خواجهربیع و زمین‌های اطراف آن قرار داشته است؛ یکی از دو شهر بزرگ «نوس» که به دلیل جمعیت زیاد و محصولات صادراتی خاص مانند دیگ‌های سنگی، شهرتی فراتر از مرزهای ایران داشت. در مجموعه یادداشت‌های مربوط به تاریخ محلات و مناطق شهر مشهد، به تعدادی از آبادی‌های این ناحیه اشاره و درباره آن‌ها به تفصیل صحبت کرده‌ام. مزارع و روستاهایی مانند «مال‌آباد» و «کلاتجه بوغا» یکی از روستاهای قدیمی این بخش از شمال شهر مشهد که در متون قدیمی به عنوان قسمتی از بلوک «تبادکان» مورد اشاره قرار گرفته، روستای «چاهش» یا «چاییش» است؛ روستاییی حدفاصل «کلاتجه بوغا» و حدود مزارع خواجهربیع که کال (مسیل) موجود در این منطقه را به اسم آن می‌شناسند و «کال چاییش» یا «کال چاهش» می‌خوانند؛ منطقه‌ای که با وجود کمبود اسناد درخور اتکا می‌توان درباره آن به موارد خاصی اشاره کرد و تاریخش را مورد بررسی و مذاقه قرار داد.

## یک روستا با چند نام

احتمالاً قدیمی‌ترین سندی که در آن از «چاهش» سخنی به میان آمده، طومار مشهور «عضدالملک» است. در این طومار که در سال ۱۲۷۳ قمری و با هدف ثبت و ضبط موقوفات حرم مطهر رضوی تنظیم شد، از «چاهش» به عنوان یکی از حدود مزرعه «کلاتجه بوغا» سخن به میان آمده است. در متن این طومار که در کتابچه «آثارالرضویه» ثبت شده است، می‌خوانیم: «مزرعه کلاتجه بوغا که محدود است به حدود ذیل بالتمام / حدی به اراضی مزرعه فتح‌آباد / حدی به اراضی مزرعه مال‌آباد / حدی به اراضی مزرعه چاهش / حدی به اراضی مزرعه حسین‌آباد موقوفه خواجهربیع»، با این حال، قدر مسلم آن است که قدمت «چاهش» بسیار بیشتر از این حرف‌هاست و باید آن را در ردیف مزارع بسیار قدیمی اطراف مشهد قرار دهیم. درباره اینکه چرا به نام «چاهش» در متون تاریخی اشاره چندانی نشده است، می‌توان دلایلی اظهار کرد که مهم‌ترین آن‌ها، تغییر نام و نیز تقسیم حدود مزرعه به قطعات کوچک‌تر است. حتی در دوران معاصر نیز «چاهش» نامی ثابت در منابع و اسناد ندارد. مهدی سیدی نیز در کتاب «نگاهی به جغرافیای تاریخی شهر مشهد» می‌نویسد: «این روستا شامل دو ده یا قلعه به نام‌های چایش ملکو (ملکان) و حسن‌آباد چاهش بود؛ با این حال در «کتابچه تبادکان»، مربوط به دوره ناصرالدین‌شاه که در آن روستاها و مزارع بلوک تبادکان را ثبت کرده‌اند، نام مزرعه به صورت «چاهک ملکان» ثبت شده و درباره آن آمده است:

## «چاهش» در گذر تاریخ

چشم‌انداز تاریخی «چاهش»، مانند دیگر مزارع اطراف خواجهربیع و حاشیه کشف رود، چشم‌اندازی برپا به نظر می‌رسد. این ناحیه، طبق برخی اقوال تاریخی، محل اتراق و اردو زدن نخستین گروه از اعراب مسلمانی بود که وارد خطه توس شدند، مرغزارهای طبیعی و دسترسی به آب، یکی از مهم‌ترین دلایل چنین رونق و توجهی بود. «چاهش» نیز مانند «مال‌آباد»، «کلاتجه بوغا» و «حسین‌آباد»، در طول تاریخش جنگ‌های زیادی به خود دیده است؛ از درگیری‌های عهد سلطان محمود غزنوی بگیرد تا جنگ سخت نادر، پیش از رسیدن به سلطنت، با ملک محمود سیستانی برای تسلط بر مشهد؛ هرچند که در منابع تاریخی، نامی از «چاهش» به عنوان مکان چنین وقایعی وجود ندارد، اما پیوستگی این مزرعه و روستای قدیمی با مزار خواجهربیع می‌تواند اشاره‌ای بر قرار گرفتن در کوران این دست‌حوادث تاریخی باشد. در عین حال، دیگر اسناد مربوط به «چاهش» زیاد نیست و به دوره‌های متأخر مربوط می‌شود. در مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سندی چندصفحه‌ای و مربوط به سال ۱۳۰۹ خورشیدی وجود دارد که در آن، به تحدید حدود مزرعه «چاهش» اشاره شده است. هرچند این سند، از نظر موقعیت و جایگاه، چندان مهم به نظر نمی‌رسد، اما محتوای شایان بررسی و جالبی دارد. سند مذکور با شماره ۲۵/۹۶ در مجموعه مرکز اسناد آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود.



شرح سند، نام هاجر سلطان خانم (احتمالاً یکی از مالکان ۹۴ سال قبل چاهش) در متن سند تقاضای فرزندان احتشام السلطان به وزارت مالیه (سال ۱۲۹۴ خورشیدی) که امروزه اصل آن در دانشگاه هاروارد نگهداری می‌شود.

محترم تولیت جلیله عظمی دامت شوکتة / بر حسب امریه شماره ۷۱۶ / ۱۳۰۹/۲/۲۹ بعد از ظهر ۳ خرداد... برای تجدید حدود مزرعه چاهش به عنوان مجاورت به سمت نمایندگی آستان قدس در مورد ثبت حضور یافته مجاورت از طرف کلاتجه بوغا و سپس آباد حدفاصل بین کلاتجه بوغا و حسن‌آباد که مجاور کال است و در سیس‌آباد حدفاصل جوی و دیوار باغ است [بررسی شد]، چون اعتراضی نبود، صورت مجلس امضا شد، مطابق گزارش نواب احتشام رضوی، ۹۴ سال قبل مزرعه «چاهش» از «حسن‌آباد» مستقل بود و جانب سمت کال این مزرعه قدیمی را با این عنوان و اسم می‌شناختند. سند تحدید اراضی، احتمالاً قدیمی‌ترین سند مستقلی است که درباره مزرعه «چاهش» فعلاً در دسترس است.



اصل آن در دانشگاه هاروارد نگهداری می‌شود. در سال ۱۲۳۴ قمری (۱۲۹۵ خورشیدی)، در بجهوه جنگ جهانی اول و حدود چهارده سال قبل از صدور سند احضاریه فوق‌الذکر، از وزارت مالیه می‌خواهند دهد. در سند دانشگاه هاروارد، نام همسران و فرزندان احتشام السلطان ذکر شده که اسم «هاجر سلطان خانم» هم در میان آن‌هاست. اینکه آیا فرد شناسایی شده با سند مربوط به «چاهش» ارتباط دارد یا خیر البته نیاز به بررسی و مذاقه بیشتر دارد، اما در همین حد می‌توان احتمال شناسایی یکی از مالکان قدیمی این مزرعه کهن سال را که کمتر در مشهد قابل پیگرد و پیگیری است، تصور کرد. به دنبال صدور احضاریه، با دستور نایب‌التولیه وقت، «میرزا علی نواب احتشام رضوی» به عنوان نماینده آستان قدس در تعیین حدود «چاهش» انتخاب شد و مأموریت یافت همراه با شخصی به نام «معین» در عملیات تحدید اراضی حاضر شود، ۱۳۰۹/۲/۲۹- به عنوان آقای نواب احتشام رضوی / ... لازم است شنبه، ۳ خرداد، بعد از ظهر در محل مزبور حاضر شده به انجام وظایف مقرر قیام و نتیجه را راپورت نمایید/ پاریف: موارد دستور فوق به آقای معین ارجاع می‌شود که به معیت آقای نواب احتشام بروند.» نماینده آستان قدس در عملیات تحدید حاضر شد و ماجرای حضورش را در گزارشی به محمدولی اسدی چنین شرح داد: «مقام

## نگاهی به یک سند تاریخی

روز دهم اردیبهشت سال ۱۳۰۹ خورشیدی، اداره ثبت اسناد و املاک مشهد احضاریه‌ای به این شرح، به نام «آقای اسدی، نیابت تولیت آستان قدس رضوی» صادر کرد: «چون حاج عبدالحسین وکیل حاج محمد ابراهیم و حاج محمد اسماعیل و حاج محمد حسن مقدس زاده و اعلی وکیل هاجر سلطان خانم و علی‌آقا درودی نسبت به شش دانگ مزرعه حسن‌آباد معروف به چاهش ملکان واقع در بلوک تبادکان ناحیه ۹ تقاضای ثبت نموده‌اند و ملک مجاور را موقوفه آستان قدس معرفی کرده است، مطابق ماده ۴۲ قانون ثبت اسناد و املاک برای تحدید حدود موقت ملک مرقوم در محل مزبور روز ۲ خرداد (۲۵ ذی حجه ۱۳۰۹ قمری) [ساعت ۲] بعد از ظهر شخصا حاضر شده و وکیل قانونی اعزام دارید.» متن احضاریه نشان می‌دهد که در سال ۱۳۰۹ خورشیدی، یعنی حدود ۹۴ سال قبل، مزرعه «چاهش» سه مالک عمده داشت یا دست‌کم سه نفر چنین ادعایی را مطرح کرده بودند، فرزندان مرحوم مقدس زاده، «هاجر سلطان خانم» و «علی‌آقا درودی». کنگاش درباره یکی از این افراد، یعنی «هاجر سلطان خانم» ماره‌به «احتشام السلطان»، یکی از اشراف دوره قاجار می‌رساند که ظاهراً در کرمان صاحب مقام، آبادی و مکتب بود. فرزندان «احتشام السلطان»، طبق سندی که امروزه



شهرخبر  
SHAHIRANNEWS.IR

۱۵



تاریخ و هویت

محدوده احتمالی مزرعه چاهش در نقشه امروز مشهد

اخبار  
قدیمی

زمستان مرگ بار کارگران در ۸۰ سال پیش



فرخدا دو سال پس از شروع جنگ جهانی دوم، ایران و به‌ویژه مشهد، وضع بسیار بدی داشتند، قحطی، گرسنگی، بی‌کاری، ناامنی و بیش‌از همه بی‌عدالتی از هر طرف مردم فرودست را تحت فشار قرار می‌داد. در این میان، قشر کارگر که عمدتاً در کوره‌خانه‌ها و کارگاه‌های قالی‌بافی کار می‌کردند، اوضاعشان به مراتب بدتر بود.

روزنامه «راستی» در اواخر آبان سال ۱۳۲۲ خورشیدی، پس از آنکه گزارش‌های بسیاری از وضع بد کارگران در ماه‌های گذشته نوشته است، گزارشی با تیتری دردناک چاپ می‌کند: «زمستان مرگ‌باری برای کارگران در پیش است.»

خبرنگار این روزنامه در ادامه نقیبه به گزارش‌های پیشین خود از وضع بد کارگران می‌زند و می‌نویسد: «کارگران خراسان طرف یک سال گذشته ندای مظلومانه خود را به وسیله تلگرافات و شکایات متعدد به گوش اولیای امور رسانیدند، از وخامت گرانی زغال که خرواری ۲ تا هزار ریال رسیده، از خرید و فروش اطفال در کارخانجات قالی‌بافی، از بی‌کاری و گرانی خواربار، از سختی معیشت رفتگران و کمی حقوق و تعذبات مأموران نسبت به آن‌ها، از فشارها و بهانه‌گیری‌های فرمانروایان، از فزونی ساعات کار در اغلب کارخانجات به حد چهارده ساعت، از نبودن قوانین عادلانه و بسیاری از مسائل دیگر دادرسی‌ها کردند ولی کسی به فریاد آن‌ها نرسید و مجلس تامدنی به جای جواب به اتحادیه کارگران به اشخاص پاسخ‌های معمولی و از سر و آوکتی نظیر «اقدامات لازمه به عمل خواهد آمد» می‌داد.»

اما دلیل پیگیری این موضوع توسط این جریده، اخراج تعدادی از کارگران کارخانه‌های قالی‌بافی است: «اکنون قریب بیست نفر از کارگران را بدون دلیل از کارخانجات قالی‌بافی اخراج کرده‌اند و به جای آن‌ها، اطفال در کار و می‌دارند. استخدام زنان و اطفال در کارخانجات روز به روز توسعه می‌یابد. در کارخانه تخریسی اغلب قسمت‌ها را به زنان و اطفال واگذارده‌اند و مردان را در موقع تقاضای اضافه حقوق تهدید می‌کنند که به جای شما، زن استخدام خواهد شد. این صرفه‌جویی و استثمار زنان و اطفالی است که کارمردان را بانصف حقوق آنان انجام می‌دهند.»

روزنامه «راستی» در میانه گزارش خود، به نکته جالب و البته غم‌انگیزی هم اشاره می‌کند. این روزنامه می‌نویسد که اغلب کارفرمایان برای تحت فشار گذاشتن کارگران معترض، ادعا می‌کرده‌اند که از طرف آن کارگر معترض، تهدید به مرگ شده‌اند و کارگر بر روی آن‌ها چاقو کشیده است. به چند نفر هم پول می‌داده‌اند تا شهادت دروغ بدهند و حرف‌های کارفرما را تأیید کنند. به این صورت، وقتی مأموران شهربانی برای بازداشت کارگر معترض می‌آمدند، او برای اینکه به زندان نیفتد، حاضر بود تن به هر کاری بدهد و برای گرفتن رضایت کارفرما از همه حق و حقوق خودش بگذرد.

ساعت زیاد کارگران، بی‌خانمانی و مسجد خوابی کارگران و فقر شدید این قشر، موضوع دیگری است که روزنامه «راستی» به آن پرداخته است: «در کارخانه آرد مشهد و کلیه کارخانجات قالی‌بافی، شعریابی و کارهای ساختمانی، کارگر روزی چهارده ساعت کار می‌کند، به استثنای یکی دو کارخانه که ممکن است جسته‌گریخته به آن‌ها بعضی مواد خواربار و مایحتاج زندگانی از قبیل آرد و چای و نفت به نرخ دولت بدهند. در تمام کارخانجات قالی‌بافی و پتگاه‌های ساختمانی کمکی به کارگران از لحاظ خواربار نمی‌شود. کارگری که روزی «ریال می‌گیرد، آیا با اجحافتی که در ترقی کالاهای می‌شود، می‌تواند به جز لقمه نانی جو، وسایل دیگر زندگانی خود را تهیه کند؟! آیا کارگر می‌تواند برای خود لباس بخرد؟! نامی دانیم سهمیه قماش خراسان چه می‌شود. چرا به کارخانجات قالی‌بافی نفت نمی‌دهند؟ چرا سایر مواد خواربار را به کارگران به نرخ عادلانه نمی‌فروشند؟ و خلاصه چرا کسی به فکر این طبقه نیست؟ اکنون قریب ۱۰ هزار کارگر قالی‌باف و چندین هزار کارگر ساختمانی در این موقع زمستان از دست می‌روند و کسی نیست اقدام مؤثری برای نجات این گروه معصوم از جنگال مرگ بنماید. آیا شما می‌دانید که بعضی از کارگران قالی‌بافی شب‌ها در مساجد می‌خوابند و اغلب آن‌ها پیراهن ندارند و آن‌هایی که کفششان پاره شده، قادر به خریدن کفش نیستند و اگر به قیافه آن‌ها بنگرید، صدی پنج آدم سالم پیدا نخواهید کرد؛ رنگ‌های پریده و صورت‌های چروک خورده آن‌ها مشتی آدم مسلول و مالاریایی را در نظر شما مجسم می‌کند. آیا معنی میهن‌پرستی همین است که اکثریت مردم بدین سان به طرف مرگ حتمی رهسپار باشند و از حاصل دسترنج همین گروه سیه‌روزیک اقلیت طماع و خودخواهی غرق عیش و نوش باشند و با دسایس و نیرنگ به نام همین گروه، کرسی‌های پارلمان را اشغال کنند؟!»

«راستی» در پایان با اعتراض به عملکرد مسئولان و نمایندگان مردم می‌نویسد: «ما به کسانی که مسبب این تیره‌بختی کارگران خراسان هستند، می‌گوییم که ساعات رسیدگی به حساب شما نزدیک است. دنیا بعد از جنگ نخواهد گذاشت در یک قسمت از کره زمین بدین سان با فرزند بشر مانند حیوانات و بلکه بدتر معامله شود، شما اگر مست‌باد ثروت و دیوانه جاه و جلال غاصبانه هستید، توده بیدار است. از این خر جا هل فرود آید. باز هم خودتانید. ما حقیقت را به شما می‌فرزانه گوشزد می‌کنیم.»

اخبار  
جهان

فروش ساعت هیترلر در آمریکا



دو سال پیش، در یک حراج اشیای عتیقه در «استیت مریلند» آمریکا، ساعتی عجیب متعلق به هیترلر، یک میلیون و ۱۰۰ هزار دلار فروخته شد. خریدار گفته بود که این ساعت ۲ تا ۴ میلیون دلار قیمت دارد. گویا این ساعت در سال ۱۹۴۵ میلادی (سال آخر جنگ جهانی دوم) به دست یک نظامی فرانسوی افتاده و از آن پس، این ساعت چند بار دست به دست گشته بوده است. از هیترلر ساعت‌ها، قلم‌ها و اشیای شخصی متعددی باقی مانده که در طول حیات او یا پس از جنگ به دست این و آن افتاده است.

تصویر نقاشی شده یکی از نبردهای نادر شاه افشار